گذر

گرانی بلیت هواپیما با چاشنی خدمات نامناسب

■ **مهر:** این روزها بحث افزایش قیمت بلیت هواپیما بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاده و دولت هم موافقت خود را با افزایش ۱۴ درصدی قیمت‌ها در این بخش اعلام کرده است. مسوولان بخش حمل‌ونقل هوایی کشور که همواره در مقابل خدمات نه چندان مناسب شرکت‌های هواپیمایی داخلی سکوت می‌کنند و آن را به دوش قیمت پایین بلیت هواپیما در کشورمان می‌اندازند، در هفت سال اخیر این پرسش را پاسخ نداده‌اند که پس از افزایش قیمت‌ها در این بخش، چه خدماتی اضافه شده است. با توجه به اهمیت موضوع، افزایش قیمت بلیت هواپیما در هفت سال اخیر را مورد بررسی قرار دادیم. ابتدا به سال ۸۳ برمی‌گردیم، وزیر راه‌وترابری احمد خرم است و آن جنجال‌های معروف وی. خرم آن زمان گفته بود: «ماجرای افزایش قیمت بلیت هواپیما از مثال‌های مرغ و تخم‌مرغ است. مساله منطقی کردن هزینه‌ها یا افزایش قیمت بلیت یا پرداخت یارانه‌ها اگر انجام نشود، نوسازی هواپیماها و امنیت پرواز را دچار مشکل می‌کند.» برهمین اساس، خرم مجوز افزایش ۳۳/۵ درصدی قیمت بلیت هواپیما در شهریور ماه سال ۸۳ را صادر کرد که واکنش‌های شدید مجلس را در پی داشت. پس از این افزایش، چند سالی قیمت‌ها در بخش حمل‌ونقل هوایی تثبیت ماند تا اینکه در مرداد ماه سال ۸۶ دولت با محوریت وزارت راه‌وترابری با افزایش ۱۷ درصدی قیمت بلیت هواپیما موافقت کرد. حسین خانلری، رییس وقت سازمان هواپیمایی کشور در مردادماه سال ۸۶ گفته بود: «شورای‌عالی هواپیمایی پس از تشکیل هفت جلسه با هدف تعیین و ارتقای ایمنی و سلامتی در صنعت حمل‌ونقل هوایی و ایجاد توازن بین هزینه شرکت‌های هواپیمایی و میزان درآمد آنها این تصمیم را اتخاذ کرده است.در ادامه در دی ماه سال ۸۷ بار دیگر قیمت بلیت هواپیما به میزان ۱۵ درصد افزایش یافت. در این میان، حسین خانلری، رییس وقت سازمان هواپیمایی کشوری همان زمان، این افزایش قیمت در حمل‌ونقل هوایی را امضا کرد. یکی از مقامات سازمان هواپیمایی کشوری همان زمان در این‌باره گفته بود: «با افزایش قیمت بلیت هواپیما به دلیل جبران بخشی از هزینه‌های بالای شرکت‌های هواپیمایی موافقت شده است.» سال ۸۸ قیمت افزایش نیافت و بدون تغییر باقی ماند، اما در مهر ماه سال ۸۹ که بحث داغ اجرای هدفمندی یارانه‌ها مطرح بود، در سکوت محض رسانه‌ای با ابلاغیه رضا نخجوانی، رییس سازمان هواپیمایی کشوری به شرکت‌های هواپیمایی به یکباره ۳۰ درصد قیمت بلیت هواپیما گران شد.

گفت‌وگو با چند شهروند در مورد وضع اقتصاد خانوار

نوای ناکوک معیشت

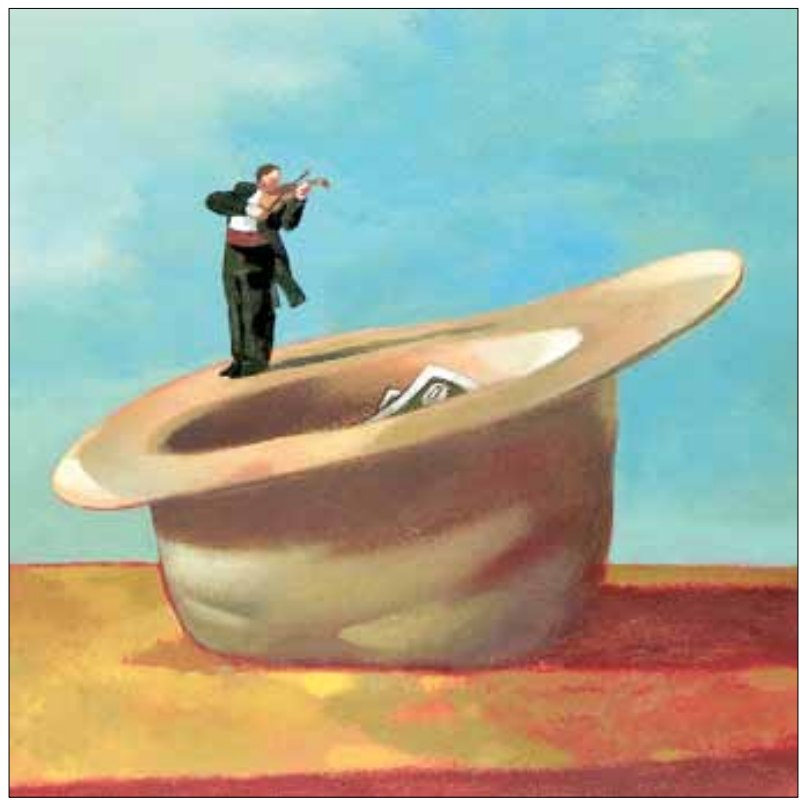

شرق: «آیا واقعا بازار آرام است و آن‌طور که دولتی‌ها می‌گویند مصرف‌کنندگان نیز مشکلی ندارند؟» این فقط یک پرسش است که این روزها زیاد از سوی فعالان مختلف اقتصادی، اهالی رسانه‌ها و شهروندان مطرح می‌شود. حتما شما نیز هرازگاهی از خود پرسیده‌اید که آیا واقعا حق با دولتی‌هاست و آن‌طور که آنها می‌گویند مردم در بازار مشکلی ندارند یا حق با شهروندانی است که در کنار گوش ما زندگی می‌کنند و به شاکیان پروپاقرص قیمت‌ها تبدیل شده‌اند؟

یافتن پاسخ این پرسش خیلی هم سخت نیست. به‌عبارتی می‌توان گفت همه ما که مخاطبان اقتصاد ایران هستیم، می‌دانیم که در اقتصاد چه خبر است و متقاضیان کالاهای مختلف نیز با چه مشقتی کالاهای مورد نیاز خود را تهیه می‌کنند. با این وجود ما فقط به خاطر اینکه خبرنگار هستیم، یک چند ساعتی به بازار رفتیم و با برخی از مردم گفت‌وگو کردیم. کار خود را از همان خیابان جلو روزنامه آغاز کردیم و از یک راننده تاکسی خواستیم همان‌طور که ما را به بازار می‌رساند از اوضاع اقتصاد خود نیز برای ما سخن بگویید.

گاهی می‌خواهم سر به دیوار بکوبم

هوا آنقدر گرم است که حرارت تا پشت چشم‌هایت بالا آمده است. راننده تاکسی دستمالی سفید را دور گردنش آویز کرده است و هر از چندگاهی دانه‌های درشت عرق را با آن از روی پیشانی‌اش پاک می‌کند. به او می‌گویم خبرنگار هستم و او فقط لبخند می‌زند: «حوصله دارید.» حق با او بود مشکلات اقتصادی برخی از شهروندان را که می‌شنوی با خودت فکر می‌کنی که باید از خیر بسیاری از فعالیت‌های خبری گذشت، چون گاهی اوقات هیچ گره‌ای از کار اقتصادی مردم باز نمی‌کنند و مسوولان اقتصادی نیز هر طور که بخواهند اوضاع اقتصادی را تفسیر و تحلیل می‌کنند و از آن سخن می‌گویند. راننده تاکسی بعد از کلی اصرار ما گفت: به سختی روزی ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان کار می‌کنم. ساعت پنج صبح از خانه بیرون می‌زنم. ساعت یک در یکی از قهوه‌خانه‌های تهران ناهار می‌خورم، دوباره ساعت سه ماشین را روشن می‌کنم و بسم‌الله. تا ۹ شب یه کله دنده عوض می‌کنم و ترمز می‌گیریم. بعضی وقت‌ها احساس می‌کنم گرما مزه دارد. پیشانی‌ام داغ می‌شود و گلویم از حرارت آب می‌شود. آنقدر خسته می‌شوم که خیلی از روزها ماشین را پارک می‌کنم و در فضای سبزی یله می‌دهم. با همه اینها روزی ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان کاسب هستم. گفتن ندارد. خود شما می‌توانید حساب کنید با ۶۰۰ الی ۸۰۰ هزار تومان پول در ماه چه می‌شود کرد. یک فرزند دانشجو دارم و یک فرزند محصل. عادت کرده‌ام که در مقابل آنها شرمنده شوم. گوشت کیلویی ۱۴ هزار تومانی برای خانواده من تبدیل به یک طنز شده است. البته شاید شما بگویید درآمد ۷۵۰ هزار تومان خیلی هم بد نیست و حق دارید. خیلی‌ها همین درآمد را هم ندارند، ولی برای ما راننده‌های تاکسی ۷۵۰ هزار تومان درآمد در ماه بیشتر تضمین‌کننده یک زندگی نیمه‌جان است که تو فقط در آن می‌توانی زنده باشی. استهلاک ماشین ما سر به فلک می‌زند. هر سال باید دومرتبه لاستیک عوض کنیم که چیزی نزدیک به ۶۰۰ هزار تومان برای ما آب می‌خورد. بسیاری از همکاران ما حتی سرویس ماهانه ماشین را رها کرده‌اند و از تاکسی خود آنقدر کار می‌کشند که زمین‌گیر می‌شود. سرمان کلاه گذاشتند و تاکسی‌های پیکان را از ما گرفتند و به جایش پراید و ۴۰۵ دادند که دمار از روزگار ما در آورده است. نرخ سوخت هم که نیاز به گفتن ندارد. بخش زیادی از درآمد ما صرف بنزین می‌شود. قسط برای خانواده من و بسیاری از راننده‌های تاکسی مأنوس‌ترین پدیده اقتصادی است. در جایی به اسم بازار دوم نازی‌آباد مستاجر هستم. سه‌میلیون پول پیش داده‌ام و ماهی ۳۰۰ هزار تومان اجاره می‌دهم. حالا شما بگویید که اسم این زندگی را چه باید گذاشت. من فقط گاهی به این نتیجه می‌رسم که باید سر به دیوار بزنم.

خوراک فقر می‌خوریم

در بازار تهران و در یکی از خیابان‌های آن با مردی روبه‌رو می‌شویم که حدود ۵۰ سال دارد. او کارمند و به عنوان شغل دوم انباردار حجره‌ای در بازار است. از او می‌پرسیم به نظر شما همه چیز در اقتصاد خوب است و مردم مشکلی ندارند، لبخند می‌زند و می‌گوید: فوق‌لیسانس دارم. ماهی ۸۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم. دو فرزند دانشجو دارم که هزینه دانشگاه هر کدام در ماه چیزی نزدیک به ۶۰۰ هزار تومان است. البته لباس و سایر وسایل‌هایی که یک جوان به آن نیاز دارد نیز هرازگاهی طلب می‌کنند. یکی از آنها عصرها در یک بوتیک کار می‌کند که ماهی ۴۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد. این رقم خودش کمک بزرگی است. مستاجر هستم. در خیابان امیرآباد زندگی می‌کنم. ۱۵ میلیون دار و ندارم را دادم پول پیش و ماهی ۶۰۰ هزار تومان هم کرایه می‌دهم. گوشت کیلو ۱۴ هزار تومان و مرغ کیلویی سه‌هزار تومان هم هرازگاهی می‌خرم. به خانواده شش‌نفری ما در ماه ۳۰۰ هزار تومان هم پول یارانه می‌دهند اما در ماه قبل پول آب، برق و تلفن ما از این هم بیشتر شد. ترجیح داده‌ایم که خیلی از چیزها را حذف کنیم. حالا اینکه برخی می‌گویند مردم هیچ مشکلی ندارند ما می‌گذاریم پای حساب شوخ طبعی برخی از مدیران اقتصادی. البته من خودم نمی‌دانم چگونه خرج ماهانه خانواده را با درآمد خود برابر می‌کنم. حقوقم یک‌دوم هزینه‌ها را جبران می‌کند. سعی کردیم با خوراک فقر کنار بیاییم.

شوخی‌نکنید

با یک کارگر در یکی از مغازه‌های بازار صحبت کردم. وقتی به او گفتم که برنامه‌ریزهای اقتصادی می‌گویند همه‌چیز خوب است و کسی مشکلی ندارد. تنها گفت: «شوخی نکنید» و ادامه داد: پنج فرزند دارم. دو نفر از آنها دانشجو هستند و بقیه نیز در دبیرستان و مقطع راهنمایی تحصیل می‌کنند. زندگی من مدیون صاحب‌کارم شده است. البته برای بقیه کارگرها این‌گونه نیست. بسیاری از آنها هیچ کمکی از صاحب‌کار خود نمی‌گیرند. کارگرهای اینجا معمولا در ماه بین ۵۰۰ تا ۶۵۰ هزار تومان حقوق می‌گیرند. حالا پول یارانه را هم به آن اضافه کنید. خانواده من بیش از ۳۰۰ هزار تومان یارانه می‌گیرد. هنوز از پول یارانه برای پرداخت برق و آب استفاده نکردیم. ماه قبل بچه‌های من با پول یارانه چند شب به رستوران رفتند. البته چند روزی هم برق خانه‌مان قطع شده بود که با قرض پرداخت کردم. ۶۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم. یک شلوار جین برای فرزندم باید بخرم ۵۰ هزار تومان. یک پیراهن ارزان کمتر از ۳۰ هزار تومان نیست. از بازار شهرری خرید می‌کنیم. آنجا ارزان‌تر است ولی باز قیمت‌ها بیچاره می‌کنند. یک جفت کفش ارزان برای فرزندم چند روز پیش خریدم ۶۰ هزار تومان. هزینه خورد و خوراک هم که سر به فلک می‌زند. یک خانواده هفت‌نفری اگر در ماه سه کیلو گوشت بخرد باید ۴۲ هزار تومان پرداخت کند. یک‌سری از کالاها که اصلا برای ما معنا ندارد. چند روز پیش ماشین لباسشویی ما سوخت. کمترین لباسشویی در بازار ۴۵۰ هزار تومان بود. یک ماشین ایرانی صندوقی خریدم که فقط لباس را می‌شورد بدون خشک‌کن یا هیچ امکانات دیگری. قیمت این ماشین لباسشویی ۳۰۰ هزار تومان بود. برای دانشگاه فرزندم مهرماه باید یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان پول بدهم. خدا به صاحب‌کارم عمر بدهد.

از خیابان بیزار شده‌ام

راننده اتوبوس شرکت واحد یکی دیگر از افرادی بود که با او صحبت کردیم. در ابتدا گفت: «مسوولان اقتصادی برای سیاست شعار می‌دهند.» شاید حق با او باشد. وقتی در اقتصاد تورم با رکود گره خورده و خط فقر بیش از یک میلیون تومان است این ادعا که کسی مشکلی ندارد بیشتر شبیه طنز است. راننده شرکت واحد می‌گفت باید زندگی قسطی را از نزدیک ببینند تا دیگر از این حرف‌ها نزنند. او می‌گفت نزدیک به ۷۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم اما نزدیک به ۸۵۰ هزار تومان قسط تلویزیون، یخچال، فرش و موتور می‌دهم. در شیفت‌هایی که کار ندارم با موتور مسافرکشی می‌کنم. یک‌بار موتورم را دزدیدند و دوباره موتوری با نرخ ۵۰۰ هزار تومان قسطی خریدم. تازه ازدواج کردم و یک فرزند دارم. در ماه نزدیک ۹۰ هزار تومان یارانه می‌گیرم اما هزینه روزانه نوزادم بیش از هفت هزار تومان است که در ماه نزدیک ۲۱۰ هزار تومان می‌شود. معمولا گوشت نمی‌خوریم. ماهی یک‌بار به رستوران می‌رویم که نزدیک ۳۰ هزار تومان برای دو نفر هزینه دارد. با این همه خوب زندگی می‌کنیم. چون هنوز زنده‌ایم و گرسنه نیستیم. منتها خودمان هم نمی‌دانیم که چگونه هزینه‌های زندگی جبران می‌شود. دو یا سه برابر حقوق‌های دریافتی خرج داریم اما جبرانش می‌کنیم. فقط از زندگی چیزی نمی‌فهمیم. صبح بیرون میاییم و شب جنازه را تحویل خانه می‌دهیم.

گوشه

هر کیلو مرغ تازه در ماه رمضان ۳۴۰۰ تومان

■ **ایسنا:** مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی قیمت هر کیلو مرغ تازه در ماه رمضان را سه هزار و ۴۰۰ تومان اعلام کرد و از اجرای طرح بهینه‌سازی مصرف سوخت در واحدهای مرغداری خبر داد. حسین مقدم‌نیا در جمع خبرنگاران گفت: طرح بهینه‌سازی مصرف سوخت در واحدهای مرغداری طی پنج سال در تمام واحدها توسط اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی اجرایی خواهد شد که با اجرای این طرح، سالانه ۵۰ درصد در مصرف سوخت صرفه‌جویی و ۱۳۵ میلیارد تومان در سال اول اجرای طرح عاید صنعت مرغداری می‌شود. وی با اشاره به اینکه پس از اجرای هدفمندی یارانه‌ها قیمت سوخت در واحدهای مرغداری از ۱۶۵ ریال به هزارو ۵۰۰ ریال افزایش یافته است، گفت: تاکنون به دلیل پایین بودن قیمت سوخت، میزان بالای مصرف در هزینه تمام‌شده تولید نقش چندانی نداشته است، اما اکنون به ازای مصرف هر لیتر سوخت حدود ۲۰۰ تومان بر قیمت تمام‌شده هر کیلو گوشت مرغ اضافه می‌شود. مقدم‌نیا تاکید کرد: اجرای این طرح برای کاهش هزینه‌های تولید ضروری است، چراکه هر لیتر گازوییل درحال حاضر ۱۵۰ تومان است و ممکن است در سال‌های آینده بر این مبلغ افزوده شود که باعث افزایش شدید قیمت تمام‌شده می‌شود، بنابراین برای ورود به بازارهای صادراتی باید قیمت تولید رقابتی شود. به گفته وی ۲۵۰ میلیارد تومان اعتبار لازم برای اجرای این طرح در سال اول برنامه است که بر این اساس چهارهزار و ۵۵۰ سالن مرغداری تحت پوشش تجهیزات بهینه‌سازی مصرف سوخت قرار می‌گیرند و تا پایان سال پنجم با تجهیز تمامی واحدها مصرف سوخت بهینه خواهد شد. در این زمینه محمد یوسفی، رییس اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی نیز تصریح کرد: برای اجرای موفق این طرح که نیازمند آموزش همزمان است، دولت باید همکاری و حمایت لازم از تولید را داشته باشد، اما اکنون مرغداران با مشکلات فراوانی به دلیل ضوابط و مقررات بانکی مواجه هستند که دولت باید این مقررات را تسهیل و روان کند. به گفته وی در حال حاضر ۵۰ درصد مرغداران به دلیل مشکلات و ضوابط بانکی نمی‌توانند از تسهیلات استفاده کنند؛ در حالی که با کندی تزریق اعتبار نمی‌توان قیمت تمام‌شده تولید را به سرعت کاهش داد و اگر این طرح هرچه سریع‌تر اجرایی نشود روزبه‌روز قیمت تمام‌شده تولید افزایش می‌یابد. یوسفی خاطرنشان کرد: متوسط مصرف سوخت برای هر قطعه جوجه در هر دوره پرورش ۲/۱ لیتر سوخت لازم است.